

قرآن پژوهان و آیه پایانی سوره مزمل*

عذرا شکراللهی (نویسنده مسؤول)**

محمد رضا حاجی اسماعیلی***

داوود اسماعیلی****

چکیده:

دانش مکی و مدنی آیات قرآن وظیفه تاریخ گذاری واحدهای نزول قرآن را عهده دار است. از زیرشاخه های این دانش، بحث و بررسی پیرامون شناخت آیات مکی داخل در سوره های مدنی و آیات مدنی داخل در سوره های مکی است که در علوم قرآنی از آن به آیات مستثنا یاد می گردد. از جمله آیاتی که مفسران قرآن درباره مکی یا مدنی بودن آن اختلاف نظر دارند، آخرین آیه سوره مزمل است. از آنجا که این سوره در شمار سوره های مکی است که در آغاز بعثت نبوی نازل گردیده و درباره آخرین آیه آن در تفاسیر کهن و معاصر دیدگاه های گوناگونی ارائه شده است، این نوشتار دیدگاه موافقان و مخالفان را بررسی و تلاش نموده به دلایل مخالفان مکی بودن آن پاسخ دهد.

کلیدواژه ها:

آیات مستثنا / تفسیر / مزمل / مکی / مدنی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۲/۱۱.

azrashokrollahi@gmail.com

e.hajis1@yahoo.com

d.esmaely@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

*** دانشیار دانشگاه اصفهان

**** دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

قرآن پژوهان و دانشوران علوم قرآنی از ابتدا به ویژگی‌های بیرونی آیات قرآن توجه ویژه‌ای روا داشته‌اند، تا آنجا که افزون بر شناخت سبب نزول آیات، به مسائل جزئی همانند مکان و زمان نزول آیات و سوره‌ها نیز اهتمام ورزیده و با دقت، آن را به‌خاطر می‌سپرده‌اند. البته شناخت سوره‌های مکی و مدنی و تشخیص آنها به دلایلی چند ضروری می‌نماید؛ مانند اینکه تسلسل آیات و سوره‌ها و تدریجی بودن نزول و فهم محتوای آیات به‌منظور استدلال‌های کلامی و فقهی و استنباط احکام مبتنی بر شناخت سوره‌های مکی از مدنی است. دیگر اینکه با شناخت سیر نزول آیات مکی و مدنی، می‌توان به شیوه هدایتی - تربیتی قرآن کریم در موقعیت‌های زمانی و مکانی گوناگون پی برد و این برای بشر دور از عصر نزول، دستاوردی بزرگ به‌شمار می‌آید.

هدف این پژوهش، بررسی اختلاف مفسران قرآن درباره مکی یا مدنی بودن آیه پایانی سوره مزمل و پاسخ به این سؤالات است که روایات دال بر مدنی بودن این آیات تا چه میزان پذیرفتنی است؟ آیا با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی واژه «سوره»، می‌توان پذیرفت بخشی از یک سوره در مکه و بخشی دیگر در مدینه نازل شده باشد؟ این اختلاف دیدگاه‌ها از چه زمانی در تفاسیر مطرح گردیده و دلایلی که این تفاسیر ارائه داده‌اند، تا چه میزان قابل استناد است؟

یادآوری می‌گردد این دیدگاه‌ها درباره مکی یا مدنی بودن آخرین آیه از سوره مزمل در دو بخش قابل بررسی است: نخست بررسی دلایل حدیثی و روایی و دوم، دلایل محتوایی. برای نیل به این مقصود، در این پژوهش بیش از یکصد تفسیر قرآن مورد بازبینی قرار گرفته و نتیجه حاصل از این بازبینی حاکی از آن است که مفسران قرآن دارای سه رویکرد به این موضوعند.

برخی از مفسران با مکی بودن تمام آیات سوره مزمل موافقت؛ مانند *ارشاد الازدهان، الاصفی فی تفسیر القرآن، تبیین القرآن، احسن الحدیث، تفسیر القرآن الکریم شبر، تفسیر معین، تفسیر قمی، من وحی القرآن، روض الجنان، فتح القدر، الفرقان، بحر العلوم سمرقندی، التحریر والتنویر، تفسیر القرآن العظیم، مظهری، تفسیر الوسیط، روح المعانی، مفاتیح الغیب و ...*

برخی موافق مکی بودن سوره به استثنای بعضی از آیات آن هستند؛ مانند جوامع الجامع، مجمع البیان، صافی، المیزان، الکاشف، کنز الدقایق، بحر المحيط، جلالین، منهج الصادقین، الواضح، تفسیر الوسیط للقرآن الکریم، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، جامع الاحکام، الکشف والبیان، لباب التأویل فی معانی التنزیل، المحرر الوجیز، الکشاف؛ بیان السعاده و... .

برخی نیز هیچ نظری درباره مکی یا مدنی بودن سوره ارائه نکرده‌اند؛ مانند تأویل الآیات الظاهره، البرهان فی تفسیر القرآن، البلاغ فی تفسیر القرآن و... .

بررسی پیشینه آیات الاستثناء و رویکردها

بررسی دیدگاه قرآن‌پژوهان قرون کهن و معاصر در تأیید یا انکار وجود آیات مستثنا در قرآن، پیش‌زمینه پژوهش پیرامون آیه بیستم سوره مزمل است. این مسأله از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته و هر کدام به نوعی درباره آن اظهار نظر نموده‌اند، تا جایی که در این باره سه دیدگاه شکل گرفته که بدین قرار است.

۱. دیدگاه تلفیقی بودن سوره‌ها

ریچارد بل رایج‌ترین باور در بین علمای اسلامی را پذیرش آیات مستثنا می‌داند. وی در این باره می‌نویسد:

«محققان مسلمان همواره اذعان دارند که سوره‌ها حالت ترکیب و تلفیق یافته دارند؛ یعنی سوره‌ای که به‌عنوان مکی ممتاز است، ممکن است یک یا چند آیه مدنی داشته باشد و بالعکس.» (ریچارد بل، ۹۸)

این درحالی است که این اعتقاد، کهن‌ترین باور نیز محسوب می‌شود، چنان‌که ابن سیرین در پاسخ به شعبی که به دلیل مکی بودن سوره احقاف و ایمان آوردن عبدالله بن سلام در مدینه، نزول آیه ۱۰ این سوره ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ لَمْ يَهْدِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (احقاف/۱۰) را در حق وی انکار می‌کرد، گفته است: «منعی ندارد بخشی از سوره مکی در مدینه یا بخشی از سوره مدنی در مکه نازل شده باشد» (عسقلانی ۹۸/۷).

از دیگر باورمندان این دیدگاه، مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) است. وی در تفسیر خود بر اساس برخی روایات از ابن عباس و عایشه، پاره‌ای از سوره‌های مکی را حاوی آیات مدنی و شماری از سوره‌های مدنی را حاوی آیات مکی می‌داند. نیز ابوالقاسم نیشابوری (م ۴۰۶ق) از دیگر معتقدان به این رأی است که شناخت آیات مدنی در سوره‌های مکی و بالعکس را جزء شریف‌ترین بخش علوم قرآن دانسته است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹). همچنین ابوالحسن بن الحصار (م ۶۱۱ق) بر این باور بوده که برخی از آیات در سوره‌های مکی و مدنی مستثنا هستند (همان، ۲۷). سیوطی نیز در نوع اول الاتقان، موارد متعددی از دو نوع آیات مستثنا را یا صریحاً صحیح می‌داند، یا با سکوت تأیید می‌کند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۷۰).

۲. دیدگاه جزئی بودن آیات مستثنا

باورمندان به این دیدگاه با نقد دلایل گروه اول، ادعای ایشان را فقط در برخی سوره‌ها بر اساس مبانی خاصی پذیرفته‌اند. این دیدگاه در حال حاضر مورد توجه بسیاری از دانشوران قرآنی است. برای نمونه علامه طباطبایی معتقد است آیات مستثنا به‌طور کلی در اصل تألیف نبوی وجود نداشته، چون پیامبر ﷺ آیات را بر اساس ترتیب نزول چینش می‌فرمودند، از این رو آیات مکی در سور مکی و آیات مدنی در سور مدنی جای گرفتند، اما هنگام تألیف و جمع قرآن توسط صحابه، مکان پاره‌ای آیات دگرگون شد و شماری از آیات در سوره‌هایی قرار گرفتند که به لحاظ نزول با آنها مجانست نداشتند و گاه روایات اسباب نزول بیانگر آیاتی مکی در سوره‌های مدنی و بالعکس آن است. ایشان می‌نویسد:

«چنان‌که از روایات مربوط به جمع اول قرآن به‌دست می‌آید، برخی آیاتی که پراکنده نازل شده‌اند، به اجتهاد صحابه در جایگاه فعلی‌شان در مصحف قرار گرفته‌اند.» (طباطبایی، ۱۲/۱۲۷)

سپس در مقام اقامه دلیل، به روایات مستفیضی از فریقین مبنی بر اینکه پیامبر خدا ﷺ و مسلمانان صدر اسلام پایان سوره‌ها را با نزول بسمله درمی‌یافتند، استناد نموده و از آنها نتیجه می‌گیرد که ترتیب چینش آیات در سوره‌ها نزد پیامبر، ترتیب

نزول بوده است (همان). ایشان سپس به سه روایت از اهل سنت و روایتی از طریق شیعه از امام باقر علیه السلام اشاره کرده و می‌افزایند:

«چنان‌که این روایت صراحت دارد، چینش آیات در زمان پیامبر بر اساس ترتیب نزول بوده، یعنی آیات مکی در سوره‌های مکی و آیات مدنی در سوره‌های مدنی قرار گرفته، مگر اینکه فرض کنیم بخشی از یک سوره در مکه و بخشی از آن در مدینه نازل شده باشد که این فرض تنها درباره یک سوره صحیح است ... لازمه این باور برخاسته از روایات این است که اختلاف مکان آیات را ناشی از اجتهاد صحابه بدانیم؛ چرا که روایات اسباب نزول بی‌شماری هست که دلالت دارد آیات فراوانی در سوره‌های مدنی در مکه نازل شده‌اند و بالعکس.» (همان، ۱۲۸)

علامه طباطبایی در مواردی نیز در کنار احتمال دخالت صحابه، احتمال جای‌گذاری پاره‌ای آیات خلاف ترتیب طبیعی نزول توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز مطرح کرده است؛ مانند آیه ۳ سوره مائده و آیه ۳۳ سوره احزاب.

دلیل دومی که ایشان برای چینش نبوی بر اساس ترتیب نزول بدان استناد کرده، مصحف امام علی علیه السلام است که ساختار آن بر اساس ترتیب نزول بوده است؛

«تأیید مطلب روایتی است که سیوطی در الاتقان از ابن حجر نقل نموده و نیز در روایت آمده که علی علیه السلام بعد از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن را بر اساس ترتیب نزول جمع نمود.» (همان، ۱۶/۱۱، ۲۳، ۳۱)

علامه طباطبایی با اینکه بسیاری از روایات آیات مستثنا را غالباً در آغاز تفسیر سوره یا در اولین بحث روایی سوره نقد کرده و آنها را مخالف سیاق و ناشی از اجتهاد می‌داند، ولی گاه با توجه به سبب نزول، مواردی از آیات مستثنا را می‌پذیرد؛ مانند آیات ۱۸ و ۲۰ سوره سجده که آنها را برخلاف مکی بودن سوره، مدنی می‌انگارد (۲۴۳/۱۶ و ۲۷۰). و گاه با توجه به سیاق، آیاتی را مستثنا می‌داند؛ نظیر آیات ۴۱ و ۴۲ سوره نحل که همراه چند آیه بعد از آن و سه آیه پایانی همین سوره که آنها را مدنی‌النزول و بقیه سوره را مکی می‌داند (۲۰۳/۱۲). یا درباره آیات ۱۷ و ۲۳ سوره قلم معتقد است که به مدنی شبیه‌ترند تا به مکی (۳۶۷/۱۹). همچنین آیات ۱۹ و ۳۵ سوره معارج و آیه ۲۰ سوره مزمل را با توجه به سیاق، مدنی می‌شمارد (۶۵/۲۰ و ۷۴). نیز

احتمال می‌دهند آیات ۲۲ تا آخر سوره دهر مکی (۱۲۰/۲۰ و ۱۳۶) و آیات ۱۴ تا آخر سوره اعلیٰ نیز مدنی باشد (۲۶۴/۲۰). بنابراین ایشان عملاً آیات مستثنای مدنی و مکی را باور دارند. گفتنی است وی توقیفی بودن چینش همه آیات بر اساس تألیف پیامبر ﷺ را نپذیرفته، با استناد به روایات جمع اول قرآن و سپس دلیل اجماع و تواتر، مخالفان خود را نقد کرده و می‌نویسد:

«ظاهر روایات در باب جمع قرآن، توقیفی بودن چینش آیات را نفی می‌کند؛ هرچند عموم قرآن پژوهان بر توقیفی بودن چینش آیات اصرار دارند و نظم آیات مصحفی که امروزه رایج و مطابق مصحف عثمانی است را همانند صورت اولیه‌ای که پیامبر به فرمان جبرئیل ایجاد کرده، می‌دانند.» (۱۲۸/۱۲)

۳. دیدگاه انکار آیات مستثنا

این دیدگاه در میان نواندیشان سده‌های اخیر و معاصر پدیدار شده و بر اساس آن، هر دو نوع آیات مستثنای مدنی و مکی انکار می‌گردد. محمد رشید رضا در این باره معتقد است که وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی و بالعکس قابل قبول نیست؛ مگر روایتی با سند صحیح و متنی صریح و عاری از معارض و احتمال خلاف، آیه‌ای را استثنا کند. وی می‌نویسد:

«از آنجایی که وجود آیات مدنی در سور مکی یا آیات مکی در سور مدنی خلاف قاعده است، لذا پذیرفتنی نیست، مگر اینکه با روایتی که از نظر متن و سند صحیح باشد و معارض یا احتمال خلاف برای آن نباشد، اثبات گردد.» (رشید رضا، ۲۸۴/۶)

روشن است که سختگیری وی درباره روایتی که آیه‌ای را مستثنا معرفی کند، گواه انکار عملی وی است؛ گرچه احتمال آن را رد نمی‌کند.

آیت الله معرفت نیز از کسانی است که وجود آیات مستثنا را انکار نموده و معتقد است بیشتر کسانی که به این آیات باور دارند، بدون استناد به نص صحیح و صرفاً از روی حدس یا اجتهاد یا نقل ضعیف صحبت می‌کنند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱/۱۶۹)، از این رو ایشان تمامی آنچه را که درباره این آیات رسیده، جمع‌آوری و نقد کرده است (همان، ۱۷۰ و ۲۳۷) و به دنبال آن، علاوه بر مصداق پژوهی، دو دلیل نظری

نیز برای رأی خود مطرح می‌کند: یکی اینکه آیات بر حسب ترتیب نزول پشت سر هم چینش می‌شدند، دیگر اینکه آیه‌ای را که در مکه نازل شود و در سوره‌ای ثبت نشود تا در مدینه سوره‌ای نازل شود، آن‌گاه در آن قرار گیرد، امری غریب و خارج از روش معمول می‌داند (همان). البته ایشان بر این باور است که گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آیاتی را بر خلاف ترتیب نزول در سوره‌هایی که قبلاً نازل شده، جای‌گذاری می‌نمودند؛ مانند آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ که توسط پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سوره نحل بین آیات استشهاد و آیات عهد قرار داده شد (همان، ۲۷۶)، ولی به آیه‌ای که بدین شکل مستثنا شده باشد، اشاره نکرده است.

آقای نکونام نیز از کسانی است که وجود آیات مستثنا را نپذیرفته و توقیفی بودن ترتیب نزول را مطرح می‌کند (نکونام، ۱۰۳). وی ضمن بحث از مبانی تاریخ‌گذاری قرآن، بر این باور است که واحدهای نزول نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همان صورت طبیعی و تاریخی که نزول می‌یافتند، مرتب شده است و آن حضرت هیچ واحدی را برخلاف ترتیبی که نازل شده بود، جای‌گذاری نمی‌کردند (همان، ۸۵). دلایلی که وی برای این ترتیب ذکر می‌کند، عبارتند از:

الف) نزول بسمله به نشانه فصل سوره‌ها. وی ضمن همین دلیل بعد از ذکر روایات، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که امکان ندارد که برخی از سوره‌های قرآن ممزوجی از دو گونه آیات مکی و مدنی باشند.

ب) عبث بودن جای‌گذاری خلاف نزول.

ج) مشکل‌زا بودن جای‌گذاری برخلاف نزول.

د) موافق نزول بودن ترتیب مصحف امام علی عَلَيْهِ السَّلَام (همان).

وی در ادامه، روایاتی را که معارض این باور است، به لحاظ سندی و محتوایی نقد می‌کند. گفتنی است که وی با علامه طباطبایی در مورد جای‌گذاری آیات برخلاف ترتیب نزول که مستند به خود آیات هستند و نه روایات اسباب نزول، هم‌رأی بوده و جای‌گذاری‌های خلاف نزول را به اجتهاد صحابه می‌داند (همان، ۱۰۳).

مکی یا مدنی بودن آیه پایانی سوره مزمل

مفسران قرآن درباره مکی یا مدنی بودن آیه پایانی سوره مزمل که طولانی‌ترین آیه سوره نیز به‌شمار می‌آید، اختلاف نظر دارند: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَحْضُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُم مَّرْضَىٰ وَ ءآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ ءآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَكْبَرُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾.

۱. دلایل باورمندان

این اختلاف در مرحله اول، نشأت گرفته از احادیث و روایات منقول از ابن عباس و عایشه است که بیشتر در تفاسیر کهن ذکر شده؛ از جمله:

الف) از نظر زمانی برای نخستین بار، ثعلبی در قرن پنجم به این موضوع تصریح کرده و گفته است: «هی مکیه إلاّ قوله سبحانه: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ إِلَىٰ آخِرِ السُّورَةِ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنِ قَوْلِهِ سَبْحَانَهُ: يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ مَا كَانَ تَزْمِيلُهُ ذَلِكَ؟ قَالَتْ: كَانَ مَرطًا طَوْلُهُ أَرْبَعٌ عَشَرَ ذِرَاعًا نِصْفَهُ عَلِيٌّ وَ أَنَا نَائِمَةٌ وَ نِصْفَهُ عَلِيٌّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، وَ هُوَ يَصَلِّي. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: فَسَأَلْتُهَا مَا كَانَ؟ قَالَتْ: وَ اللَّهُ مَا كَانَ جَزْأً وَ لَا قِرْأً وَ لَا مَرْعِزِي وَ لَا إِبْرِسِمَ وَ لَا صَوْفًا كَانَ سَدَاهُ شَعْرًا وَ لِحْمَتُهُ وَبِرًا» (ثعلبی، ۵۸/۱۰)؛ «این سوره به‌جز آیه آخر آن مکی است. ابو عبدالله جدلی گوید: از عایشه پرسیدم روانداز رسول خدا ﷺ چه بود؟ گفت رواندازی بود به طول چهارده ذراع، که من در زیر نیمی از آن می‌خوابیدم، و رسول خدا بر روی نیم دیگرش نماز می‌خواند. پرسیدم: از چه جنسی بود؟ گفت به خدا سوگند نه خبز بود و نه پوست مرعز و نه ابریشم و نه پشم، رویه آن از مو و آستر آن از کرک بود.»

ب) ثعلبی در ادامه نیز روایت نموده که ابوسماک عدوی، تمام قاف‌های آیه به‌جز «قلیلا» را با ضمّه قرائت می‌کرد و می‌گفت: نصف از شب یا یک‌سوم شب و یا دوسوم شب سه زمانی بودند که پیامبر بین انتخاب این سه وقت مخیر بود. پس از نزول این



آیه، پیامبر و یارانش به سختی افتادند، زیرا مردم نمی‌توانستند نیمه‌شب یا ثلث شب را محاسبه کنند، پس تا صبح به نماز می‌ایستادند، به‌صورتی که بسیار برایشان دشوار بود و پاهایشان ورم می‌کرد و دچار ضعف و رنگ پریدگی می‌شدند، تا اینکه خداوند به ایشان رحم نمود و به آنها تخفیف داد و با آیه «علم ان سیکون مرضی»، حکم اول سوره را نسخ کرد و فاصله بین نزول آغاز و پایان سوره یک سال بود. «قال سعید بن جبیر: لما نزل قوله: يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ مَكَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ عَشْرَ سِنِينَ يَقُومُ اللَّيْلَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى، وَكَانَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ يَقُومُونَ مَعَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ بَعْدَ عَشْرِ سِنِينَ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى... الْآيَةِ. فَخَفَّفَ عَنْهُمْ بَعْدَ عَشْرِ سِنِينَ» (همان، ۵۹)؛ «سعید بن جبیر گوید: پس از نازل شدن ﴿يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ﴾، پیامبر ده سال شب‌ها برای نماز به‌پا می‌خاست؛ چنانچه خدای تعالی فرمان داده بود و بر این حال باقی ماند و گروهی از اصحاب نیز با او قیام می‌کردند. سپس خداوند بعد از ده سال به ایشان تخفیف داد و آیه ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى...﴾ را برایشان نازل کرد.»

ج) ابن عباس می‌گوید: وقتی اول سوره مزمل نازل شد، مسلمین مانند شب‌خیزی در ماه رمضان برمی‌خواستند و بین اول و آخر سوره یک سال فاصله شد. ابوسلمه بن عبدالرحمن از عایشه روایت کرده و گفت: من برای رسول الله حصر پهن می‌کردم تا ایشان نماز شب بخواند، پس این خبر در میان مردم پخش شد و مردم جمع شدند برای اقامه نماز شب، ولی بعد از مدتی جمعیتشان کم شد و از آن اجتناب کرده و ترسیدند نماز شب بر آنها واجب شود، پس پیامبر با خشم وارد خانه شد و با آنها همدردی کرد، سپس به سوی ایشان رفت و گفت: «ای مردم! بشتابید به‌سوی اعمال دشوار، زیرا خداوند از دادن ثواب خسته نمی‌شود تا اینکه شما از عمل خسته شوید و بهترین عمل، عمل همیشگی و دائمی است، حتی اگر کم باشد.» لذا ﴿يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ...﴾ نازل شد و نماز شب بر ایشان واجب شد و همه به انجام آن متعهد شده و هشت ماه بر آن مداومت ورزیدند. وقتی خداوند تلاش ایشان برای رسیدن به رضای خدا را دید، این تکلیف سنگین را از دوش ایشان برداشت، و با نزول آیه ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ...﴾، وجوب نماز شب را برداشت، مگر کسی که با میل و رغبت بخواند (ثعلبی، ۵۹/۱۰).

نقد دلیل

در ارزیابی روایات فوق باید توجه داشت که چنانچه مشاهده می‌گردد، ثعلبی در ابتدای تفسیر سوره مزمل به هیچ حدیثی برای مدنی بودن آیه بیستم استناد نکرده، در ادامه نیز به احادیثی از عایشه استناد کرده که نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا ایشان در مدینه همسر پیامبر شده و در ابتدای بعثت و نزول این آیات، یا هنوز پا به عرصه گیتی ننهاده، و یا کودکی خُرد بوده است؛ چه رسد به هم‌بالینی و زندگی مشترک با حضرت رسول! (قرطبی، ۳۲/۲۰). از این رو صاحب تفسیر التحریر و التنویر، روایات رسیده از عایشه را در این باب مضطرب دانسته و این را به دلیل ازدواج ایشان با پیامبر در مدینه، صحیح ندانسته و می‌نویسد:

«روایات عایشه مضطرب است. بعضی از این روایات مشتمل است بر مکی بودن همه سوره مزمل و اینکه آخر آن یک سال پس از نزول اولش و قبل از وجوب نماز نازل شده و این چیزی است که صاحب الاتقان از حاکم نقل کرده است و این اقتضا می‌کند مکی بودن اول سوره را. و در بعضی روایات عایشه می‌گوید: من برای رسول الله حصیری می‌گستراندم و ایشان نماز شب می‌خواند. این خبر در میان مردم پخش شد، لذا مردم جمع شدند برای اقامه نماز شب. پس پیامبر با ناراحتی وارد خانه شد و ترسید نماز شب بر ایشان واجب شود. به دنبال آن آیه ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمِ اللَّيْلُ﴾ نازل شد و نماز شب بر ایشان واجب گردید و همه به انجام آن متعهد شدند و هشت ماه بر آن مداومت ورزیدند. بعد از آن خداوند این تکلیف سنگین را از دوش ایشان برداشت و آیه ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ﴾ نازل شد و آنها را به نمازهای واجب باز گرداند و نماز نافله شب را از ایشان برداشت.» (ابن عاشور، ۲۹/۲۳۶)

طبری با دو سند از ابوسلمه بن عبدالرحمن از عایشه، این دو روایت را نقل کرده که آن حاکی از مدنی بودن کل سوره است؛ زیرا پیامبر در مدینه با عایشه ازدواج کرده و این با توجه به سخن عایشه که گفت «فخرج مغضبا» مطرح می‌گردد، زیرا لازمه آن، خروج از خانه به سوی مسجد است و این، اخبار برپا شدن نماز شب در مسجد را

تأیید می‌کند و به این دلیل، اضطراب بین روایات و وجوب نماز شب و تشویق به آن وجود دارد. طبری این قضیه را چنین روایت می‌کند:

«ابن عباس می‌گوید: وقتی آیات آغاز سوره مزمل نازل شد، مردم همانند شب‌خیزی خود در ماه رمضان، شب‌ها بیدار می‌شدند و بین آیات اول و آخر سوره مزمل یک سال فاصله افتاد. این روایت از طریق ابوکریب از محمد بن بشر از مسعر از سماک نیز با اختلاف اندکی در الفاظ، از ابن عباس نقل شده، در روایت دیگر مطالب مذکور از التحریر والتنویر نیز آمده است.» (طبری، ۸۰/۲۹)

اما قرطبی این قول را به تفسیر ثعلبی نسبت داده، می‌گوید:

«نخعی درباره ﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ﴾ گفته: پیامبر ﷺ خود را با روانداز عایشه می‌پوشاند؛ رواندازی که نصفش را عایشه به خود پیچیده و خواب بود و بر روی نصف دیگرش پیامبر نماز می‌خواند و از آنجایی که پیامبر در مدینه با عایشه ازدواج کرد و یقیناً آیات اول سوره مزمل مکی است و آیه ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ﴾ تا آخر سوره بعد از سال‌ها از نزول اول سوره در مدینه نازل شده و ناسخ و وجوب نماز شب برای پیامبر است و آنچه از عایشه روایت شده که نماز شب قبل از وجوب نمازهای پنج‌گانه واجب شد، بعید است.» (ابن عاشور، ۲۳۶/۲۰)

همچنین در تفسیر البحر المحیط با اشاره به روایت عایشه، به دلیل اینکه نزول ﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ﴾ در اول بعثت و مکه، و ازدواج پیامبر با عایشه در مدینه بوده، آن را دروغ آشکار دانسته است (ابوحیان، ۳۱۱/۱۰). آلوسی نیز درباره این حدیث می‌گوید:

«سوره مزمل در اوایل بعثت در مکه نازل شد و نبی اکرم ﷺ در مدینه با عایشه ازدواج کرد. از سویی اخبار صحیح متظافر دلالت دارد که این خطاب زمانی نازل شده که پیامبر در خانه حضرت خدیجه بودند. از همین مطلب، وضع روایت مربوط به عایشه معلوم می‌شود که از او سؤال شده روانداز پیامبر چه بوده؟ و او گفت: رواندازی بود به طول چهارده ذراع ... و می‌دانی که این حدیث چنانچه ابن حجر گفته، در کتب صحیحه نیامده، بلکه با آنها مخالف است و نمی‌توان به احتمالات اکتفا کرد، بلکه چنانچه ابوحیان گفت، این روایت کذب صریح است.» (آلوسی،

این استدلال درباره احادیثی که از ابن عباس نقل شده نیز آمده است. ابن عاشور می‌نویسد:

«شبی را در خانه خاله‌اش ام‌المؤمنین گذراند. درباره آن گفته: رسول خدا و خانواده‌شان خوابیدند، نصف شب یا کمی قبل و بعد از نصف شب، رسول خدا بیدار شد. سپس وضو ساخت و سیزده رکعت نماز گزارد. بعد تا اذان صبح خوابید. حال آنکه ابن عباس در زمان هجرت، کودکی هفت یا هشت ساله‌ای بیش نبوده.» (ابن عاشور، ۲۰/۲۶۱)

ابن عاشور، ابن عباس را در زمان هجرت، کودکی هفت یا هشت ساله معرفی می‌کند. پس چگونه کسی که یقیناً در ابتدای بعثت هنوز به دنیا نیامده، احادیثی درباره شأن نزول یک سوره و یا کیفیت نزول آن بیان می‌کند؟ در این احادیث اختلاف دیگری هم ذیل فاصله بین اولین و آخرین آیات این سوره وارد شده که عایشه و ابن عباس آنها را روایت کرده و ابن کثیر همه آنها را که حاکی از مدنی بودن سوره است، رد کرده و غریب می‌خواند و سوره مزمل را کاملاً مکی می‌داند و فاصله زمانی بین آیات آن را طبق روایت احمد بن حنبل، یک سال دانسته و می‌نویسد:

«این روایت را ابوحاتم از طریق موسی بن عبیده ربزی روایت کرده که ضعیف است و این حدیث در صحیح، بدون لفظ «نزول هذه السوره» آمده و حال آنکه از سیاق چنین به دست می‌آید که این سوره در مدینه نازل شده، در حالی که چنین نیست و سوره مکی است. و اینکه فاصله نزول آغاز و پایان سوره را هشت ماه می‌داند هم بعید است و در روایت احمد گذشت که این زمان یک سال بوده است.» (ابن کثیر، ۸/۲۶۴)

نیز سیوطی ذیل نوع اول الاتقان، درباره این سوره می‌نویسد:

«ابن الفرس حکایت کرده که از «ان ربک یعلم» تا آخر سوره استثنا شده است، ولی روایتی را که حاکم از عایشه نقل کرده، رد می‌کند. در آن روایت آمده است که این آیات یک سال پس از نزول ابتدای سوره نازل شد؛ هنگام واجب شدن نماز شب پیش از واجب شدن نمازهای پنج‌گانه در اول اسلام.» (سیوطی، الاتقان، ۱/۷۱)

یادآوری می‌گردد که در تفسیر مقاتل بن سلیمان در قرن دوم و تفسیر قمی در قرن سوم و بحر العلوم در قرن چهارم که از نظر زمانی بر تفسیر ثعلبی مقدم هستند، به مکی بودن آیه آخر سوره مزمل تصریح گردیده و فقط به تدریجی بودن نزول سوره و فاصله

یک‌ساله بین اولین و آخرین آیه سوره اشاره شده است. این همه حاکی از ضعف سندی و متنی این احادیث است، از این رو چنان‌که گذشت، آیت الله معرفت با انکار آیات مستثنا، معتقد است بیشتر کسانی که به این آیات باور دارند، از روی حدس یا اجتهاد یا نقل ضعیف صحبت می‌کنند و بدون استناد به نصی صحیح، دارای این اعتقادند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱/۱۶۹). وی در جایی دیگر می‌نویسد:

«همه این سخنان مستند به حدس یا نقل ضعیف هستند.» (همان، ۲۳۷)

لذا ایشان هر آنچه در مورد استثنای آیه یا آیاتی وجود دارد، فاقد دلیل مقبول می‌داند (همان، ۱۷۰).

۲. دلایل مخالفان

اما دلیل مخالفان مکی بودن آیه پایانی سوره مزمل، مباحث محتوایی و کلی این آیه است؛ به‌گونه‌ای که مفسران مخالف مکی بودن این آیه به دلایلی از این دست اشاره کرده‌اند:

الف) کوتاهی آیات مکی و بلند بودن این آیه.

ب) تشریح مخصوص آیات مدنی است، نه آیات مکی؛ مانند حکم به نماز و پرداخت زکات.

ج) اشاره به جهاد و قتال فی سبیل الله در مدینه صورت گرفته است، نه در مکه. گروهی از مفسران در تفاسیر کهن (به دلیل روایاتی که به آنها اشاره شد) و در تفاسیر جدید (بیشتر به همان سه دلیلی که به آنها تصریح شد)، معتقد به مدنی بودن آخرین آیه سوره مزمل می‌باشند. این در حالی است که برخی مفسران در نقد دلیل اول مخالفین (یعنی بلند بودن آیه بیستم در سوره مزمل)، به شواهدی از آیات قرآن مبنی بر طولانی بودن آیه در سوره‌های مکی، مانند مدثر/۳۱، انعام/۱۶۵، اعراف/۲۰۶، اسراء/۱۱۱، کهف/۱۱۰، مریم/۹۸، انبیاء/۱۱۲، مؤمنون/۱۱۸ و... استدلال کرده‌اند که بر اساس آن، بلندی و کوتاهی آیات نمی‌تواند ملاک قطعی برای تشخیص مکی یا مدنی بودن آنها باشد. از جمله علامه طباطبایی از کسانی است که با استناد به قالب و شکل آیه، آن را مدنی دانسته و می‌نویسد:

«در اخبار زیادی وارد شده که خصوص این آیه بعد از گذشتن هشت ماه و یا یک سال و یا ده سال از نزول آیات اول سوره در مکه نازل شد، ولیکن این حرف از این نظر سست است که در آیه شریفه، جمله ﴿أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ آمده، و ظاهر آن این است که مراد از «زکات» - مخصوصاً بدان جهت که بعد از نماز و قبل از مسأله انفاق مستحبی آمده - زکات واجب باشد، و همه می دانیم که زکات بعد از هجرت در مدینه واجب شده. پس نزول این آیه در مدینه بوده. و اینکه بعضی گفته اند زکات در مکه واجب شد، ولی نصاب آن تعیین نشد تا در مدینه معین گردید، و همچنین اینکه بعضی دیگر گفته اند ممکن است آیه شریفه قبل از حکمش نازل شده باشد، و حکمش بعد از مدتی که از نزول آیه گذشت، واجب شده باشد، و جوهی بدون دلیل هستند. علاوه بر بی دلیل بودن این سخنان، در آیه شریفه سخن از قتال هم رفته، می فرماید: ﴿وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾. با اینکه می دانیم در مکه در جو آن چنانی مصلحت نبوده که در متن آیه سخن از قتال به میان آید، و به هر حال ظاهر این است که آیه شریفه در مدینه نازل شده باشد، نه در مکه، و بعضی از مفسرین هم به این نظریه متمایل شده اند.» (طباطبایی، ۱۱۹/۲۰)

این در حالی است که در سوره های مکی، احکام بسیاری تشریح شده؛ از جمله آیه های ۱۴۶-۱۴۱ سوره انعام که درباره بیان حکم شرعی ثمرات انعام و حلال و حرام آن است. همچنین در آیات سوره اسراء احکام زیادی به طور اجمال تشریح شده که بعداً در آیات مدنی به تفصیل شرح داده شده اند؛ مانند حکم پرداخت زکات مال، حکم زنا، حکم قتل نفس و... (اسراء/۲۶ و ۳۸-۳۱).

همچنین در دو سوره اعراف و مریم که هر دو مکی اند، به فریضه نماز و زکات اشاره شده است. ابن کثیر در این باره می نویسد:

«آیه ﴿عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ و بلکه همه سوره مکی است و هنوز قتال تشریح نشده بود. پس این آیه از بزرگ ترین دلایل نبوت است، چون مشتمل بر اخبار مربوط به آینده است. لذا خداوند فرموده: ﴿فَأَقْرُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ﴾.» (ابن کثیر، ۲۷۰/۸)

وی درباره زکات که مخالفان به دلیل وجوب حکم زکات در مدینه، آیه را مدنی می‌دانند، می‌نویسد:

«آیه ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ به معنای اقامه نماز واجب و پرداخت زکات مفروضه است که این خود دلالت دارد که وجوب نماز در مکه صورت گرفته، هر چند حد نصاب‌ها در مدینه مشخص شده است.» (همان)

در آیه ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾، زکات در مکه واجب شد، ولی مقادیر این نصب در مدینه بیان شد. البته با کمی تفکر و تعمق، بدیهی است که مسلمانان در حضور سیزده ساله خود در مکه، باید به یکدیگر در تمام امور زندگی اعم از امور مالی و معیشتی کمک می‌کردند تا بتوانند در مقابل سختی‌ها و مشکلات مالی که مشرکان برای آنها به وجود می‌آوردند، پایداری کنند و باید اغنیای مسلمان به ضعیف‌ترها کمک می‌کردند؛ هم‌چنان که حضرت خدیجه رضی الله عنها و ابوطالب عموی پیامبر و دیگر اغنیای مسلمان، تمام اموال خود را در مکه در راه اسلام و خدا خرج کردند. پس کمک‌های مالی در ابتدای بعثت در مکه، جزء لاینفک جامعه کوچک مسلمین بود؛ حال چه نامش زکات بوده باشد یا انفاق در راه خدا، و نه تنها در این سوره مکی، که در دیگر آیات مکی نیز بر زکات، محل برداشت و محل استفاده آن تأکید شده است؛ مانند آنچه که در سوره اعراف آمده: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/۱۵۶) یا ﴿كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ (انعام/۱۴۱) یا ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارف/۲۵-۲۴) یا ﴿وَأَتْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ (اسراء/۲۶).

همچنین در دیگر آیات مکی، مؤمنان بر اقامه صلاة و ایتاء زکات ترغیب و سفارش شده‌اند؛ مانند ﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (نمل/۳) و ﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (لقمان/۵-۴).

حال با عنایت به آیات سوره مریم که مکی است، می‌توان دریافت نه تنها در اوایل ظهور اسلام، بلکه در دیگر ادیان آسمانی هم سفارش به نماز و زکات عینیت داشته است؛ مانند ﴿وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ (مریم/۳۱). ولی

با قدرت گرفتن جامعه اسلامی و مدنیت یافتن آن در مدینه، برای تعدیل این فریضه، قوانین مالی خاصی از جانب پیامبر اسلام ﷺ و سنت تشریح شد؛ چنانچه در آیات مدنی هم حکم خاصی برای نصاب آن یافت نشده، بلکه تنها از افراد مشمول دریافت زکات یاد گردیده است و تحدید نصاب زکات در سنت نبوی مشهود است. در نهایت ابن عاشور نیز دلیل خود را در برابر موافقان مدنی بودن آیه آخر این گونه بیان می‌کند:

«ظاهر حاکی از مدنی بودن نزول ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ﴾ تا آخر سوره است؛ به قرینه آیه ۱۱ و ﴿آخِرُونَ يقاتلون في سبيل الله﴾ (مزمل/۲۰)؛ در صورتی که از اخبار غیبی از نوع معجزه قرآن نباشد.» (ابن عاشور، ۲۳۶/۲۹)

از دیگر تفاسیر شیعی معاصر که با استناد به خود قرآن، سوره مزمل را کاملاً مکی می‌داند، تفسیر نمونه است. در این تفسیر آمده است:

«این سوره در مکه نازل شده است و دارای بیست آیه می‌باشد. لحن آیات سوره به خوبی نشان می‌دهد که با سوره‌های مکی هماهنگ است، و به این ترتیب احتمال نزول آن در مدینه بعید به نظر می‌رسد، ولی تفاوت لحن آغاز و انجام آیه نشان می‌دهد که در میان این آیات، فاصله زمانی قابل ملاحظه‌ای بوده است که بعضی از مفسران آن را هشت ماه و بعضی یک سال و بعضی حتی ده سال نوشته‌اند. نتیجه اینکه همان طور که قبلاً اشاره کردیم، ظاهراً این سوره در مکه نازل شده و قطعاً قسمتی از آن بعد از ظهور علنی اسلام و نفوذ نسبی آن در مکه بوده است، هر چند احتمال دارد آیاتی از آغاز سوره در اول بعثت نازل شده باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۵۹/۲۵)

از دیگر مخالفان مدنی بودن این آیه، آلوسی بغدادی است. وی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«این سوره از سوره‌های آغازین است که در مکه نازل شد که هنوز نمازهای پنج‌گانه واجب نشده بود؛ زیرا نمازهای پنج‌گانه بعد از معراج نازل شد و زکات تنها در مدینه واجب شد و من جواب کسانی که می‌پندارند در این سوره، این آیه مدنی است را می‌دهم، به این صورت که زکات واجب شد در مکه بدون اینکه برایش مقدار مشخص شود و در مدینه با مقدارش واجب شد، پس ممکن است منظور از



زکات، زکات واجب باشد و در کل اینکه آیه مکی باشد، بلامانع است، اما باید نزول آن بعد از نزول سوره اسراء باشد. حکم آن بر نماز شب پیشین از آن جهت که واجب بوده باشد، منافات دارد با آسان‌گیری در آن و گفته شده جایز است که حکم این آیه متأخر از نزولش باشد، در حالی که این چنین نیست.» (آلوسی، ۱۲۶/۱۵)

البته این دیدگاه آلوسی از جهتی پذیرفتنی و از جهتی قابل قبول نیست. آنچه پذیرفتنی است، مکی دانستن آخرین آیه سوره مزمل و آنچه قابل تأمل است، دیدگاه ایشان درباره نزول این آیه در مکه و بعد از نزول آیه ۷۸ سوره اسراء است؛ زیرا خداوند در ابتدای سوره مزمل به نماز شب اشاره کرده که عملی شاق و سخت بوده، سپس در آخرین آیه سوره، این تکلیف سخت را از دوش مسلمانان برداشته و تخفیف در کمیت می‌دهد، ولی همچنان مسلمانان را به خواندن نماز شب در حد توان تشویق می‌کند و همان گونه که طبق دیدگاه علمای اسلامی، خواندن نماز شب بر مسلمین بر اساس این آیه مستحب مؤکد است، ولی بعد از آیه ۷۹ سوره اسراء، ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾، خداوند به پیامبر یادآور می‌گردد که نماز شب به‌رغم سایر مسلمین، برایشان نافله‌ای پابرجاست؛ همانند نمازهای واجب پنج‌گانه که در آیه پیشین ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ به وقت آنها اشاره شده است.

پس همان گونه که وجوب زکات اولین بار به صورت اجمال در سوره مزمل بیان شده، اقامه نماز هم برای اولین بار، ابتدا به صورت نماز شب (که می‌تواند به دلیل شرایط حاکم به زمان نزول و احاطه قدرت مشرکین در مکه و برای جلوگیری از آزار مسلمین، به ایشان توصیه نماز خواندن بسیار در شب شده باشد تا از آزار مشرکین در امان باشند)، ولی بعد از برداشته شدن این حکم سخت و سنگین، به ایشان یادآور شده که در هر حال خواندن نماز، واجب است و باید به هر اندازه که برای ایشان میسر است، نماز شب بخوانند. بنابراین خواندن نماز هم مانند زکات در این آیه اجمالاً بیان شده، سپس در سوره‌های دیگر به تدریج به احکام و قواعد آنها تصریح شده است.

نتیجه‌گیری

سوره مزمل سومین یا چهارمین سوره‌ای است که به‌طور کامل در مکه نازل شده و برای اولین بار به ارکان اصلی شریعت اسلام، یعنی نماز و زکات در آن اشاره شده است؛ به‌گونه‌ای که آیات ابتدایی آن به وجوب نماز شب و میزان خواندن آن در شب پرداخته و در آخرین آیه، نسبت به آنها تخفیف داده، همچنین به دو فریضه نماز و زکات به‌صورت اجمال‌گونه اشاره کرده است. اختلاف مفسرین درباره مکی یا مدنی بودن آخرین آیه سوره مزمل، موضوع این پژوهش بود که برخی از مفسران قرآن با استناد به احادیث و برخی دیگر با استناد به محتوای آیه، دیدگاه خویش را بیان کرده و مشخص گردید که مستندات ایشان در این باره اکثراً یا ضعیف و یا مضطرب و غیر قابل پذیرش و از نظر برخی کذب بودند. همچنین دلایل محتوایی مخالفین با استناد به سیاق درون‌متنی سوره و دیگر سوره‌های مکی قرآن نقد گردید. حتی با تأمل در آیات قرآن و توجه به مکی بودن و فضای نزول سوره، می‌توان معتقد بود که در این سوره برای اولین بار، به‌طور اجمال به فریضه نماز و زکات که از ارکان ادیان آسمانی است، فرمان داده شده و در دیگر سوره‌ها، بدنه و کالبد این فرایض تشریح شده است.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۵. آلوسی. سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۶. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۷. بل، ریچارد؛ درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن، ۱۳۸۲ش.



۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۹. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۰. دروزه، محمد عزت؛ التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الكتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
۱۱. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۲. رشیدرضا، محمد؛ التفسیر القرآن الکریم، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۳. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ تفسیر الوسیط، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۲ق.
۱۴. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد؛ بحر العلوم، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۹ش.
۱۶. _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. شاذلی، سید بن قطب؛ فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۸. شبر، سید عبدالله؛ تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ق.
۱۹. شوکانی، محمد بن علی؛ فتح القدر، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسیں حوزة علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزة علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۲۳. _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۴. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. عسقلانی، ابن حجر؛ فتح الباری، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۷. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فضل الله، سید محمد حسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۳۰. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ش.
۳۲. گنابادی، سلطان محمد؛ تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۳۳. معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۸۵ش.
۳۴. _____؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۳۶. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر دانش آیات مستثنا، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.